

دهلی شهر باغها

پروفسور شریف حسین قاسمی

دهلی از دیرباز دارای ارزش سیاسی و فرهنگی می‌بوده است. اهمیت و شهرت این شهر تاریخی در دوران قرون وسطی به اوج خود رسید. بیشتر سلاطین و پادشاهان دودمان‌های مختلف همین دهلی را مرکز حکومت و پایتخت خود قرار دادند و بنابراین ملقب به «حضرت دهلی» شد. در اثر علم دوستی، ادب‌پروری و علاقه‌مندی صمیمی این فرمانروایان با هنرهای زیبا تعداد زیادی از صاحبان علم و ادب و هنرمندان برجسته از سراسر جهان اسلامی در این شهر سرازیر شدند تا بتوانند در زمینه‌های تخصصی هنر و استعداد خود را به ظهور رسانند. در نتیجه تلاش‌های بی‌سابقه همه اینها دهلی به عنوان بغداد هند، دارالمعارف، مصر جامع و بقول آزاد بلگرامی «مجمع و مرجع صاحبان کمال هفت اقلیم» در نقشه جهان متمدن آن دوره به ظهور رسید و شهر برگزیده و منتخب در عالم قرار گرفت. نظر به این حقیقت حال عصامی در قرن چهاردهم میلادی در فتوح السلاطین ملقب به شاهنامه هند سروده است:

بسی سیدان صحیح‌النسب	رسیدند در وی ز ملک عرب
بسی کاسبان خراسان زمین	بسی نقش‌بندان اقلیم چین
بسی عالمان بخارا نژاد	بسی زاهد و عابد از هر بلاد
ز هر ملک و هر جنس صنعت‌گران	ز هر شهر و هر اصل سیمین بران
حکیمان یونان، طیبیان روم	بسی اهل دانش ز هر مرز و بوم

♦ استاد و رئیس بازنشسته گروه فارسی، دانشگاه دهلی، دهلی.

دران شهر فرخنده جمع آمدند چو پروانه بر نور شمع آمدند^۱
 دهلی غالب به یقین، اول در ناحیه مهرولی امروز قرار گرفته بود. کتیبه‌ای روی منار
 آهنی نصب در صحن مسجد قبةالاسلام در مهرولی کنده شده است که حاکی است که
 اینگ پال پادھی از خانواده چوهان، دهلو (دهلی) را در سال ۱۰۵۳ م بنا نهاده بود. امیر
 خسرو دهلوی (م: ۱۳۲۵ م) این شهر را در مثنوی قران‌السعدین به همین اسم دهلو یاد
 کرده است.^۲ سپس سلاطین و پادشاهان به مصداق «هرکه آمد عمارتی نو ساخت» در
 ادوار مختلف در نزدیکی همین مهرولی شهرهایی جدید به سلیقه خود ساختند که
 بعضی از آنها عبارتند از: غیاث‌پور، کیلوکهری، تغلق‌آباد، شاه‌پور، فیروز‌آباد، خضرآباد،
 مبارک‌آباد، شاهجهان‌آباد و غیره. سپس انگلیس‌ها شهری دیگر ساختند که امروز
 دهلی‌نو خوانده می‌شود.

گزارش‌هایی نسبتاً مفصل درباره زندگی اجتماعی و فرهنگی دهلی در چند کتاب
 معروف به فارسی و اردو به نگارش آمده است مثلاً مثنوی قران‌السعدین امیر خسرو
 دهلوی، مرقع دهلی از درگاه قلی خان^۳، سیرالمنازل تألیف سنگین بیگ^۴، آثارالصنادید
 سرسید احمد خان^۵ (اردو)، واقعات دارالخلافة دهلی از بشیرالدین احمد^۶ (اردو). از
 این مآخذ معتبر به دست می‌آید که در ادوار مختلف دوران قرون وسطی (از ۱۲۰۶ م تا
 ۱۸۵۷ م) بازارهای بزرگ، پل‌ها، حویلی‌ها (خانه‌های بزرگ مسکونی)، نهرها،
 حوض‌ها، چاه‌های بزرگ با پله‌ها، سرای‌ها، باغات، مساجد و مدارس معروف، مقابر و
 خانقاه‌ها و قصرهای فرمانروایان در نواحی مختلف دهلی وجود داشت که از رنگارنگی
 و جنب و جوش در زندگی اجتماعی و فرهنگی این شهر حکایت می‌کند.

-
۱. عصامی، فتوح السلاطین (شاهنامه هند)، به تصحیح محمد یوشع، ص ۱۱۴.
 ۲. دهلوی، امیر خسرو، قران‌السعدین، علی‌گر، ۱۹۱۸ م.
 ۳. خان، درگاه قلی، مرقع دهلی (متن به فارسی و ترجمه به اردو)، دانشگاه دهلی، دهلی.
 ۴. سنگین بیگ، سیرالمنازل، تصحیح و تحشیه و ترجمه به اردو پروفیسور شریف حسین قاسمی، غالب
 انستی تیوت، دهلی‌نو، ۱۹۸۲ م.
 ۵. خان، سر سید احمد، آثارالصنادید، ترتیب دکتر تنویر احمد، اردو اکادمی، دهلی، ۲۰۰۰ م.
 ۶. بشیرالدین احمد، واقعات دارالحکومت دهلی، اردو اکادمی، دهلی، ۱۹۹۵ م.

فرمانروایان مسلمان هند نسبت به حاکمان دیگر به احداث باغها و گلزارها و چمنزارها توجه خاصی را مبذول می‌داشته‌اند. در کشورها و مناطقی که بعضی از اینها از آنجاها به هند نقل مکان کردند، باغهای فراوانی وجود داشتند. اینها همان روایت احداث باغها را در قلمرو جدید خود که حالا به عنوان وطن اصلی آنها درآمده بود، ادامه دادند، تاریخ شاهد این حقیقت است که بیشتر این فرمانروایان به احداث باغها پرداختند که ذکر آنها در کتابهای تاریخ این پادشاهان هم آمده است.

متأسفانه کتابی درباره باغهای دهلی که در ادوار مختلف قرون وسطی احداث شدند، نوشته نشده است. علت اساسی آن کمبود اطلاعات کافی در این زمینه است. اسم چند باغ در کتابهای تاریخ به فارسی که در دست است، برای شناسایی مناطقی در دهلی که از لحاظ سیاسی ارزش داشتند، مذکور است. به علاوه گزارش نسبتاً مفصل تنها دو سه باغ دوره تیموریان هندی در این منابع آمده است که پادشاهان و افراد خانواده شان احداث کرده بودند و در آغوش بعضی از این باغها احداث کنندگان آنها مدفون‌اند. باید عرض شود که در دهلی تنها پادشاهان و افراد خانواده آنها به احداث باغها اقدام نکردند بلکه وزرا و امرا و حتی تاجران و افراد دیگر جامعه، دهلی را با احداث باغها رونق و تزیین دادند. این باغها در گوشه و کنار دهلی آن وقت جلب توجه می‌کردند و بنابراین دهلی به درستی جنت‌نشان خوانده می‌شد.

افزون بر این کتاب‌هایی به زبان انگلیسی که درباره بناهای تاریخی دهلی به نگارش آمده‌اند، گزارش بعضی باغها را دربردارند، علتش این است که تعدادی از این ساختمانها به ویژه مقابر در باغها قرار گرفته‌اند. ویلیام استوارت (Williem Stuart) در کتاب خود باغهای تیموریان بزرگ^۱ (Gardan of the Great Mughals) گزارش مفصل چند باغ تیموریان هندی مثل باغ مقبره همایون، شالامار باغ، باغ روشن‌آرا، باغ تال کتوره و مهتاب باغ را داده است.

باغ‌هایی که قبل از تیموریان هندی در دوره سلطنت احداث شده بودند، تنها اسم‌های بعضی از آنها در منابع مذکور است. حتی جای وقوع و کیفیت آنها را

۱. Cosmo Publications دهلی، نو، ۱۹۸۳ م.

هم نمی‌توان به درستی معلوم کرد. برای احداث باغ هر نوع آرامش و هم وسایل بهتر مالی لازم است. بیشتر سلاطین دهلی از این نعمت محروم بوده‌اند.

فیروز شاه تغلق از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۸ م برای سی و هفت سال زمام حکومت را به دست داشت. هیچ فرمانروای دیگری قبل از تیموریان تا این مدت حکومت نکرد. دوره حکومتش هم آرامش بیشتری داشت. چنانکه در منابع معاصرش آمده، وی شهر فیروزآباد را بنا کرد و دورادور آن یک صد باغ کاشته بود.^۱

مطهر کره، شاعر دربار فیروزشاه تغلق که در دهلی اقامت داشت، درباره دهلی دوره خود که این پادشاه آن را رونق داده بود، چنین سروده است:

جبذا شهر گزین حضرت فیروزآباد که درو جوی خلودست بناها بغداد
هر طرف طرفه عمارات ارم ذات عماد هر سوی نزهت صحرا و تماشای سواد...
قبّه قصر همایون شه شیر شکار که به طینت چو بهشت است به زینت چو بهار
آسمانی ز نجومست پر از نقش و نگار بوستانی ز ریاحین است پر از مشک تثار
چنان رباط و مدرسه و خانقاه ساخت چندان سرای و مسجد و حوض و حصار کرد^۲
و درباره مدرسه فیروز شاهی در نزدیکی حوض خاص که فیروزشاه آن را در ۷۵۳ هـ بنا کرد و در آن باغی وجود داشت، چنین گفته:

صحن او روح فزا ساحت او جان پرور خاک او مشک فشان نکهت او عنبر بار
سبزه و سنبل و ریحان و گل و لاله درو رسته و آراسته چندانک کند چشم تو کار
نار و نارنج و به و سیب و انگور در رسانیده درو میوه امسال به دیار
بلبلان نغمه سرایند ز هر سو گویی چنگ دارند به چنگ اندرونی در منقار^۳
همچنین درباره باغها اطلاع داده است که:

کز آب سند تا در دهلی همه دیار از باغ و کشت جنت و دارالقرار کرد
شهری دگر چو خلد برین بر کنار جون آباد هم به نام شه نامدار کرد^۴

۱. Gardan of the Mughals، ص ۴-۵.

۲. دیوان مطهر کره، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۱۰۰.

۴. همان، ص ۷۰.

اورنگ‌اوزیب عالمگیر (۱۶۵۸-۱۷۰۷ م) سید عبدالفتاح را از گجرات دعوت کرد که به دهلی بیاید و به او مثنوی مولانا روم درس بدهد. اسرارالله پسر سید عبدالفتاح در ارتش اورنگ‌زیب خدمت انجام می‌داد و در این باغ فعالیت‌های نظامی را تمرین می‌کرد.^۱ معنی‌اش این است که این باغ به هر صورت تا دوره سلطنت اورنگ‌زیب وجود داشته است.

پادشاهان افغان یا لودی ساختمان‌های عظیمی را در دهلی ساختند که تاکنون در مناطق مختلف این شهر سر به آسمان کشیده‌اند ولی اطلاعی دربارهٔ احداث باغ‌ها در دوران حکومت آنها به دست نمی‌آید.

اسم چند باغ در دهلی از منابعی دیگر هم معلوم می‌شود ولی اطلاعات لازم دیگر مرقوم نیست ولی محل وقوع آنها را می‌توان به آسانی معلوم کرد. با این وجود مقابر بعضی پادشاهان این خانواده بدون شک در باغ‌ها ساخته شده بودند.

خواجه نظام‌الدین اولیا (م: ۱۳۲۵ م) به باغی اشاره می‌کند که در دوره سلطنت در دهلی وجود داشت. این عارف معروف چشتی به باغ جسرت که در منطقهٔ حوض رانی کنونی قرار داشت، رفت. وی تا آن وقت تصمیم نگرفته بود که کجا در دهلی سکونت اختیار کند. در این باغ بود که صدایی از غیب شنید که باید در غیاث‌پور اقامت کنید.^۲ بانی این باغ کی بوده و این چه نوع باغی بود؟ سوال‌هایی هستند که پاسخ آنها تاکنون معلوم نیست.

همچنین خواجه نصیرالدین چراغ دهلی خلیفهٔ ارشد خواجه نظام‌الدین اولیا دربارهٔ باغ محلدار سخن گفته است. شخصی در این باغ مراسمی را برگزار کرد که بعضی مشایخ آن دوره در آن شرکت کردند.^۳ بدیهی است که این باغ جداگانه از آن است که بعداً در قرن هیجدهم میلادی محلدار خان یکی از منصبداران محمد شاه تیموری (۱۷۱۹-۱۷۴۸ م) در دهلی احداث کرده بود و امروز ناحیه‌ای مسکونی است.

۱. ذکر جمیع اولیای دهلی، ص ۱۳۰.

۲. فوایدالغواد، ص ۷۴؛ این در سیرالاولیا از امیر خرد کرمانی (ترجمهٔ اردو)، ص ۲۲۰ هم نقل شده است.

۳. خیرالمجالس، ص ۱۸۵.

روایت جدید و پرشکوه احداث باغ‌ها در هند با آغاز فرمانروایی خانواده تیموریان به راه انداخته شد. تیموریان هند با شکل پیشرفته باغ‌ها در ترکستان و ایران و یا کشورهای آسیای مرکزی آشنا بودند و همین روایت باغبانی را در هند پیاده کردند. از تزک بابری استنباط می‌شود که بابر بنیان گذار سلطنت تیموریان در هند به احداث باغ‌ها علاقه مفراطی داشت. او قبل از این که هند را فتح کند و بنای حکومت دودمان خود را در اینجا بگذارد، در کابل باغ وفا را احداث کرده بود. او در دوران اقامت خود در هند، باغ‌های اینجا را دید که مورد پسندش قرار نگرفتند زیرا که فاقد نظم و طرح خاص و جوی‌ها و نه‌رها بودند. او در آگره پایتخت خود رام باغ را بنا نهاد و آن را کاملاً طبق طرز و اسلوب چهار باغ ایرانی و ترکستانی به ظهور آورد. چهار باغ، معنی‌اش این است که قطعه مربع و یا مستطیل زمین باغ را با جریان جوی‌ها و نه‌رها چهار قسمت می‌کنند و هر یک از این چهار قسمت جداگانه از یکدیگر به طور باغی رشد می‌نماید. درخت‌های میوه‌دار، نهال‌های گل‌های رنگارنگ و معطر و بناهای نسبتاً کوچک ولی قشنگ و دیدنی به نام باره‌دری (با دوازده در) این باغ‌ها را تزیین می‌دادند. این نوع باغ بابر در آگره نمونه‌ای قرار گرفت که بعداً در سراسر قلمرو تیموریان هندی دنبال شد. درست گفته شده است که طرح باغ در میان مسلمانان از تصور بهشت اسلامی ماخوذ است.

یکی از علل احداث باغ‌های زیاد در هند در قرون وسطی هوای گرم این کشور است. گرمای شدید برای فرمانروایان و هم عموم مردم که از مناطق نسبتاً سردسیر به هند آمدند و سکونت گرفتند، قابل تحمل نبود. باغ‌ها، سبزه‌زارها و نه‌رها و جوی‌ها و آبشارها که در این دوره ساخته شدند، برای کاهش تپش فصل گرما بود. تعدادی از همراهیان بابر که از کابل به هند آمدند، تنها چند روز بعد از فتح هند اعلام کردند که بنا بر فصل نسبتاً طولانی تابستان نمی‌توانند زیادتر در این کشور بمانند و باید برگردند. بابر پیشنهاد آنها را نپذیرفت و با حفر نه‌رها و احداث باغ‌ها گرمای هند را ملایم و قابل تحمل ساخت.

باغ‌های دوره تیموریان هندی معمولاً حصارها با دروازه‌های قشنگ و بلند و بالا دارند. خود این دروازه‌ها از لحاظ سبک معماری دیدنی و راستی مظهر احساس جمال تیموریان هستند.

رام باغ (آرام باغ) بابر در آگره غالب به یقین قدیمی‌ترین باغ تیموریان در هند است. نیازهای روزافزون جامعه شکل این باغ را تغییر داده است. بنابراین باغ گرداگرد مقبره همایون در دهلی که به صورت اصلی خود باقی مانده، قدیمی‌ترین باغ این خانواده در هند به شمار می‌آید ولی درخت‌های میوه‌دار از بین رفته‌اند.

خالق مطلق شاهجهان (۱۶۲۸-۱۶۵۷ م) را شاید به همین منظور به ظهور آورده و فرمانروایی هند را به دست او داده بود که هند را با ساختن بناهای رفیع و قشنگ به سبک معماری خاص و احداث باغ‌ها حسن و جمال بخشید. او نه تنها خود این نوع فعالیت‌ها را انجام داد بلکه دیگران را هم وادار کرد که ساختمان‌ها بسازند و باغ‌ها بکارند که از هر لحاظ بی‌سابقه و آینه‌دار تصور جلال و جمال خانواده‌اش باشند.

با آغاز بنای شاهجهان‌آباد، شاهجهان دستور داد باغ‌ها هم کاشته شود. محمد صالح کنبو، مورخ معاصر، شاهجهان‌آباد را چنین توصیف کرده است:

بر لب آب جون فیض سرشت که بهشتش بود نمونه زشت
خاکش از خرمی نشاط افزای دلکش و جانفزا و دیده کشای
جایگاهی کز اعتدال هوا یافت رنجور چند ساله دوا
مرده را آب زندگانی ده پیر فرتوت را جوانی ده^۱

همین مورخ معاصر درباره کیفیت قلعه سرخ در دهلی گزارش می‌دهد:

”از طرف مشرق به ارتفاع دوازده ذراع مشرف بر آب و صحرا و از جانب مغرب بر باغ و باغیچه‌های مسرت‌افزا و انهار و تالاب فیض پیرا سراپا از سنگ مرمر صاف شفاف بنیاد پذیرفته“^۲.

شاهجهان در قلعه سرخ علاوه بر بناهای اداری و مسکونی، چند باغ هم احداث

۱. عمل صالح (شاهجهان‌نامه)، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۵.

کرد که تاکنون وجود دارند. توصیف و تعریف این باغ‌ها از قلم محمد صالح کنبو خواندنی است:

”در پیش هر نشیمن ارم مانند باغچه در نهایت طراوت و دل‌پسندی که سر تا سر سرزمین بهشت آیین آن جوش سبزه تر روکش سپهر اخضر گشته معاینه فردوس برین در نظر تماشایی جلوه‌گر می‌گردد و در هر طرف از گرمی هنگامه نشو و نما رونق بازار نشاط و انبساط و تقاضای تکلم لب اطفال غنچه و کودکان شگوفه صدای سرشار گل تا سرحد چار دیوار دولت‌خانه فیض آثار می‌رسد و قبل از آن که مشاطه باد بهاری به غازه‌کاری عذار گل و تازه‌کاری طره سنبل درآید از لطافت هوای روح‌افزای این مسیحا کده‌های دولت‌سرا شاهدان تازه رخسار ازهار و انوار و نونهالان گل و کلاله مویان سنبل چهره افروز حسن ادا می‌شوند و پیش از رسیدن موسم فروردین و اردی‌بهشت و این وطن گاه نشو و نما که همانا مسقط‌الراس قوت نامیه است، نازنینان سیمبر شگوفه سیراب و تر سر از منظره شاخ به درآورده خندان و شگفته چشمک می‌زنند، لطف دیگر آنکه جا به جا درین حدایق فردوس زیب و ایوان‌های خاطر فریب حیاض مطبوع در کمال دلکشایی و آبشارهای دلپذیر بی‌نظیر در نهایت خوشنمایی مانند لوح بلورین سینۀ سیمبران عرض نهر گشته به آیینی جلوه‌افروز حسن ظهور است که در جنب هر یکی از آن حوض دلکشا و آبشار که به اعتبار لطافت روانی و سلاست جریان‌ی طلسمی است دیده فریب نظر بند و تفرجگاه عجیبی است اعجاب پیوند. صد چشمه آب حیوان بلکه جمیع عیون روضه رضوان به گرد رفته و موج آب و تاب هر یک از آن مرآت شاهد صنع ربانی و پرتو نوریخشی آن بدایع مخترعات یزدانی از کمال اوج خوبی گذشته. آیینۀ آفتاب را از صبح روشن جبین رونما گرفته“^۱.

این گزارشی است درباره باغ ارم در قلعه سرخ:

۱. عمل صالح (شاهجهان‌نامه)، ص ۲۶.

”دیگر باغ ارم مثال حیات بخش که به حسن نمود رسته‌های خیابان و اقسام گل‌های ایوان و انواع درختان سبز و خورم و شاداب رشک صفوف سرروستان جنان و چشم و چراغ زمین و زمان است و همه جا در مجاری انهار روان بخش آن روضه رضوان آب‌ها روان و چشمه سارهای جوشان به لطافتی که میان آن و چشمه حیوان فرق از انسان است تا حیوان و از روی زمین تا آسمان:

به قدر سیر این گلشن نظر کو بهشتی این چنین جای دگر کو
 ز هر برگش گلستانی نمایان چو از آینه عکس خوبرویوان
 بود نشو و نما اینجا روان را بهار دیگر است این بوستان را
 درین گلشن ز جوش سبزه و گل نمی‌آید به گوش آواز بلبل
 ارم در پشت دیوارش نشسته خجل چون عندلیب پر شکسته

دو دست عمارت دلنشین به غایت دل‌پسند و نظرفریب است از بس طراز صور گوناگون و نقش بوقلمون چون عرش میناکار بلقیس با سریر زمردنگار سلیمان به آیینی صورت اساس یافته که به همه معنی وقوع نظیر آن در عالم امکان صورت‌پذیر نیست و نهر آبی در محاذی آن جاری گشته از دست انفاس روح‌الامین احیای اموات در طی شکن آستین دارد و در حیاض وسط هر دو عمارت که چشمه حیوان به چشم حسرت در آن نگران است به نهایت خوبی در جوش آمده از کنار چبوتره به ارتفاع یک و نیم گز به صورت آبشارها در پایین حوض‌ریزان، در طاق‌های زیر آن روزانه گلدان‌های سیمین و زرین پر از گل‌های طلا و شب‌ها شمع کافوری در زیر نقاب آب مانند ستاره در پرده تنک سحاب با معنی گلوسوز در چمن سخن شاداب به حسنی جلوه‌افروز ظهور می‌گردد که بی‌اختیار رحیل ابنای سبیل را بدل به اقامت جاوید می‌سازد^۱.

سر سید احمد خان بانی دانشگاه اسلامی علی‌گر این باغ‌ها را در اواسط قرن نوزدهم میلادی دیده بود. او در کتاب ارزشمند خود به نام آثارالصنادید بناها و باغ‌های داخل قلعه سرخ را توصیف نموده است^۲ که بیانات محمد صالح در این ضمن را تصدیق می‌نماید.

۱. عمل صالح (شاهجهان‌نامه)، ص ۲۸.

۲. آثارالصنادید، ص ۵۸.

در یکی از همین باغ‌ها بهادر شاه ظفر (۱۸۳۷-۱۸۵۸ م) آخرین پادشاه تیموری با چند نفر مصاحب خود قدم می‌زد. میرزا اسدالله خان غالب شاعر معروف فارسی قرن نوزدهم میلادی و استاد این پادشاه در شعر، هم حضور داشت. شاخ‌های درخت‌های انبه با کثرت ثمرها زمین را می‌بوسیدند. انبه‌های این باغ تنها برای استفاده پادشاه و خانواده‌اش مخصوص بودند. چشم‌های غالب به انبه‌ها دوخته بود. پادشاه متوجه شد و پرسید: میرزا! چیست که آن را با این توجه می‌بینید؟ میرزا غالب با ادب و احترام دسته بسته پاسخ داد: پیر و مرشد! این که گفته شده:

بر سر هر دانه نوشته عیان کابن فلان ابن فلان ابن فلان

می‌بینم که آیا دانه انبه هست که روی آن اسم من و پدر و پدر بزرگوارم نوشته شده است یا خیر. پادشاه تبسم کرد و همان روز سبدی پر از انبه به غالب فرستاد.^۱ صاحب‌آباد یا باغ بیگم رو به روی ایستگاه راه آهن دهلی کهنه وجود داشت که سومین دختر شاهجهان، جهان آرا بیگم آن را در سال ۱۶۵۰/۱۰۶۰ م. احداث کرده بود. این باغ وسیع و عریض بوده و طولش ۹۲۰ گز و عرضش ۲۴۰ گز بود. در حصار آن برج‌ها ساخته شده بودند و نهرها در سراسر باغ جاری بود. داخل باغ ساختمان‌های زیبا مثلاً باره‌دری (بنایی با دوازده در) نشیمن‌ها و غیره سر به آسمان کشیده بودند. جانوران هم در آن نگهداشته می‌شدند.^۲ غالب دهلوی درباره چاهی در نزدیکی این باغ سخن گفته است که انگلیس‌ها آن را در سال ۱۸۵۷ م با سنگ و خشت انباشتند و خراب کردند.^۳ روشن آرا بیگم دختر شاهجهان که حامی برادر خود اورنگ‌زیب بود، در ناحیه سبزی‌مندی (بازار بزرگ سبزی‌فروش‌ها) در ۱۶۵۰/۱۰۶۰ م. احداث کرد. این شاهزاده خانم در ۱۶۷۱ م. فوت کرد و در همین باغ دفن شد. سرسید احمد خان این باغ را به شکل اصلی آن دیده بود.^۴ در ورودی و دو سه ساختمان آن تاکنون وجود دارند و باعث عبرت‌اند.

۱. یادگار غالب، ص ۷۰.

۲. واقعات دارالحکومت دهلی، قسمت دوم، ص ۲۲۹.

۳. خطوط غالب (اردو)، ص ۵۰۰.

۴. آثارالصنادید، ص ۲۸۷.

سرهندی بیگم یکی از همسران شاهجهان باغی در سال ۱۰۶۴/۱۶۵۳ م در همین ناحیه سبزی‌مندی کاشته بود. سرهندی بیگم را در همین باغ به خاک سپردند. سر سید احمد خان چند ساختمان آن را دیده و در آثارالصنادید توصیف کرده است.^۱

شاهجهان مثل خانم‌های خانواده خود در آزادپور نزدیک سبزی‌مندی باغی به نام شاله‌مار درست کرد. او باغی دیگر به همین اسم در لاهور و سری‌نگر هم ساخته بود. شاهجهان این اسم را خود انتخاب کرد. شاله به زبان هندی دریچه را گویند و مار به معنی عیش و عشرت است. شاله‌مار یعنی دریچه‌ای به عیش و عشرت. شاله‌مار از جمله باغ‌های بزرگ و قشنگ دهلی به شمار می‌رفت. نهرها، حوض‌ها، ساختمان‌های دیگر در داخل باغ جلب توجه می‌کردند. درختان میوه‌های مختلف کاشته شده بودند. چون سر سید احمد خان در اواخر قرن نوزدهم آن را دید، چهار درخت انبه از آن وقت باقی مانده بود. ذایقه این انبه‌ها بی‌سابقه بود.^۲ غالب دهلوی اسم انبه‌ای از باغی در آزادپور را فخری نوشته است.^۳ بعید از قیاس نیست که این همان انبه باشد که سر سید احمد خان بعداً به آن اشاره کرد. اورنگ‌زیب عالمگیر در همین باغ تخت‌نشینی خود را به عمل آورد. بعد از سال ۱۸۰۳ م ریزیدن انگلیسی در فصل گرما در همین باغ بسر می‌برد.^۴

ناظر محلدار خان یکی از منصبداران محمد شاه پادشاه تیموری در ۱۱۴۱/۱۷۲۸ باغی وسیع و عریض در نزدیکی سبزی‌مندی احداث کرد. بازاری رو به روی در ورودی آن ساخته شده بود که در هر دو طرف آن دروازه‌ها سر به آسمان کشیده بودند. این دروازه‌ها به نام «تری‌پولیه» وجود داشتند.^۵ در آن وقت اینجا جشنی بعد از عید برگزار می‌شد.^۶

۱. آثارالصنادید، ص ۲۸۷.

۲. همان.

۳. خطوط غالب (اردو)، ص ۳۷۰.

۴. واقعات دارالحکومت دهلی، ص ۵۰۲.

۵. همان، ص ۴۹۹.

۶. آثارالصنادید، ص ۳۲۵؛ عالم‌میل‌تخاب - دلی، ص ۴۵۹.

محمد شاه همسری داشت به نام ادهم بایی ملقب به نواب قدسیه بیگم که مادر احمد شاه پادشاه بود. او زنی با ذکاوت بود. او در سال ۱۷۴۷/۱۱۶۲ باغ قدسیه و مسجدی در داخل آن احداث کرد^۱ که تاکنون در مسیر جاده کمربندی نزدیک دروازه کشمیری وجود دارد. اغلب این است که این اولین باغی است که در آن مسجدی ساخته شد. از اینجا فعالیت‌های نظامی در سال ۱۸۵۷ م به عمل آمد^۲. بنابراین اصل شکل و صورت این باغ به طور قابل ملاحظه تغییر کرده است.

ناظر روزافزون منصبدار دیگر محمد شاه در ناحیه مهرولی باغ ناظر احداث کرد. قسمتی از حصار آن و دو سه بنای دیگر با سنگ سرخ تاکنون در نزدیکی مقبره عارف و شاعر معروف فارسی جمالی دهلوی وجود دارد. روی سر دروازه کتیبه‌ای هم نصب است^۳. افزون بر این اسم تعداد زیادی از باغ‌ها در تذکره‌های عرفا و شعرا و آثار دیگر آمده است ولی کیفیت آنها به دست نیست. بیشتر این باغ‌ها در دوران فرمانروایی تیموریان کاشته شده بودند که عبارتند از:

باغی در نزدیکی مفتی‌واره در راه به کدن‌پوره قرار داشت که موسوم به باغ جنگی خان بود. شاه عطا چشتی که در سال ۱۷۲۳/۱۱۳۵ فوت کرد، در اینجا سکونت گزیده بود^۴. باغ‌های متعددی در اودور مقبره خواجه نظام‌الدین اولیا وجود داشتند که در آنها عرفا زندگی می‌کردند و همانجا دفن شدند. رو به روی سرای سید یحیی در نزدیکی مقبره این عارف نامدار چشتی باغیچه سیدی یسین خان شهید بود. سروان خان در این باغ در سال ۱۱۷۲/۱۰۸۳ دفن شد^۵. در جوار مقبره خواجه نظام‌الدین اولیا در نزدیکی سرای روشن رای باغیچه قول وجود داشت که در آن ملا محمد یار ابن میر محمد ابراهیم گیلانی از جمله فرزندان شاه نعمت الله ولی دفن شد^۶. باغ خان اولیا در همین

۱. واقعات دارالحکومت دهلی، ص ۴۹۹.

۲. همان.

۳. همان، ص ۵۶۱.

۴. ذکر جمیع اولیای دهلی، ص ۱۳۹.

۵. همان، ص ۹۴.

۶. همان، ص ۹۵.

ناحیه بود که رو به روی آن مولوی شیخ عطاءالله بن شیخ عبدالرشید بن شیخ عباس سمرقندی باغیچه‌ای احداث کرد. شیخ عطاءالله در این باغ در ۲۴ ربیع‌الآخر سال ۱۷۰۷/۱۱۱۹ به خاک سپرده شد.^۱

حافظ تاج‌الدین خلف سید محمد خلیفه شیخ پیر محمد سلونی در روز دوشنبه ۱۸ صفر ۱۷۱۲/۱۱۲۵ م فوت کرد و در باغ عبدالوهاب بلخی در نزدیکی سرای روشن‌رای دفن شد.^۲

خواجه سعدالله چشتی (م: ۸ جمادی‌الاولی ۱۷۰۷/۱۲۱۹) ابن شاه اچھی از خانواده شیخ فریدالدین گنج شکر عارف معروف سلسله چشتی است. در نخاس مقبره شروان خان قرار داشت. در مقابل آن باغ سید مرجان جای اقامت این عارف بود.^۳

شیخ محمد درویش خدا آگاه و خدا اندیش با خانواده‌اش در باغ شیخ اولیا متصل به بازار مرتضی خان زندگی می‌کرد.^۴ فخرالدین خان ابن شیخ عبدالعزیز در روز پنجشنبه ۵ شوال ۱۷۳۱/۱۱۴۳ م درود به حیات گفت. او را در جوار مقبره خواجه نظام‌الدین اولیا در باغیچه‌ای نزدیک به باغ صلابت خان به خاک سپردند.^۵

سید حسن رسول‌نما عارف و عالم معروف دوره شاهجهان و پسرش اورنگ‌زیب است. مقبره‌اش تاکنون در جوار تالار امامیه، پنج‌کوئین رود، مرجع خلائق است. او در همین ناحیه در باغ کلالی (گلایی) با فامیل خود زندگی می‌کرد.^۶

در یک کناره جور باغ (زور باغ) دهلی‌نو، باغ میر حسام‌الدین فرزند خواجه خورد وجود داشت. شاه بین مجذوب در اینجا بیست سال زندگی کرد. میرزا احمد بیگ در راه ساختمانی به نام نقش قدم حضرت علی باغی احداث کرده بود و در آن مسجدی، حوضی و سکویی با سنگ خارا ساخته بود. شاه بین به تقاضای میرزا احد بیگ به این

۱. ذکر جمیع اولیای دهلی، ص ۱۱۴.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۱۵.

۴. همان، ص ۱۳۵.

۵. همان، ص ۱۴۴.

۶. همان، ص ۱۲۰.

باغ منتقل شد. احمد بیگ خان سامان و داروغه باغ را به خدمت شاه بین گماشت. شاه بین در ۱۶ رجب ۱۱۲۰/۱۷۰۸ م فوت کرد.^۱

در جوار عیدگاه کهنه باغ صفی خان قرار داشت. رو به روی این باغ حافظ الله داد (م: ۹ جمادی الآخر ۱۱۲۷/۱۷۱۵) را روی سکوی قدیمی پهلوی قبور بزرگان دیگر دفن کردند.^۲

در کتاب ارزشمند درباره تاریخ دهلی به نام «واقعات دارالحکومت دهلی»، اسم این دو باغ برده شده که در راه از بهارگنج تا قطب رود واقع بودند: باغیچه شیرامل و باغ رای بابو رام.

افزون بر این، در نزدیکی مقبره سکندر لودهی محوطه‌ای وسیع با حصار وجود داشت که معروف به باغیچه بوده، در اوایل قرن بیستم در اینجا کشت و کار می‌شد ولی قبلاً باغی بوده باشد.^۳ در علی‌گنج در ناحیه صفدرجنگ دهلی‌نو عیسی خان باغی ساخته بود.^۴ کوتله مبارک‌پور محوطه باغی داشت. باغ چهارلا باسکوها، جوی‌ها و چند درخت در آنجا دیده شد.^۵ منشی بشیرالدین احمد به باغ دولت‌بیگ در غرب ناحیه مسکونی بادلی در حدود مبارک‌پور اشاره می‌کند که رقبه‌اش در حدود یک هزار فو مربع بود.^۶ همچنین او اسم‌های باغ‌های خان جهان، باغیچه میر درد در تراهه بیرم خان در دهلی کهنه را می‌برد.^۷

این روایت احداث باغ‌ها در دهلی حتی یک مقام ارشد انگلیسی به نام سر دیود اختر لونی را که ریزیدنت دهلی بود، وادار کرد تا باغی در دهلی احداث نماید. این باغ موسوم به باغ مبارک با باغ اختر لونی بهتر از باغ‌های قبلی بوده.^۸

۱. ذکر جمیع اولیای دهلی، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۳۲.

۳. واقعات دارالحکومت دهلی، قسمت سوم، ص ۵.

۴. همان، ص ۷۳.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۲۱.

۷. همان، قسمت دوم، ص ۵۷۵، ۶۶۲.

۸. همان، ص ۵۰۱.

این باغهای متعدد که در دوران مقاطع مختلف تاریخ به ویژه در دوره فرمانروایی تیموریان هندی در دهلی احداث شدند، باغهای عمومی نبوده‌اند. بیشتر اینها باغهای شاهی و شخصی هستند. به هر حال وجود تعداد زیاد باغها در دهلی به کاهش گرمای فصل تابستان حتماً کمک می‌کرد. شعرای فارسی و اردو بنا بر کثرت باغها، دهلی را گلستان خوانده‌اند. حاتم شاعر اردو شعری در این ضمن دارد:

نہیں ہے شہر دہلی ہے گلستاں . چمن سے جس کا خوشتر ہے پیا .

(این شهر دهلی نیست، گلستانی است، بیابان اینجا خوشتر از چمن است)

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اهل دهلی در فصل باران، چون این باغها سرسبز می‌شدند و بهار به اوج خود می‌رسید، برای تفریح و گردش به این باغها هجوم می‌آوردند. مبارک باغ، باغ دل‌دار خان، باغ کره خان، باغ روش‌آرا، شاله‌مار از جمله باغهایی بودند که مردمان را به خود می‌کشیدند و هر جا یک نوع جشنی برپا می‌شد. در ناحیه مهرولی لکھی باغ و امریان (باغ انبه) مورد توجه خاص اهل دهلی بوده‌اند. اینها در این باغها به تعداد زیادی گرد می‌آمدند و از میوه‌های آنها استفاده می‌کردند.^۱

متأسفانه حالا تنها دو سه باغ از این جمله باغهای قدیمی در دهلی خود را از فشار احتیاجات گوناگون جمعیت روزافزون این شهر حفظ نموده‌اند و بعضی از اینها به نواحی مسکونی تبدیل شده و حتی تعیین جای وقوع بعضی‌ها از آنها مشکل هم است و نمی‌توان باور کرد که دهلی شهر باغها بوده است.

منابع

۱. احمد، بشیرالدین، واقعات دارالحکومت دهلی، اردو اکادمی، دهلی، ۱۹۹۵ م.
۲. عمر، محمد، اٹھارویں صدی میں ہندوستانی معاشرہ .. (فرہنگ ہند در قرن ہیجدهم)، چاپ اول، ۱۹۷۳ م.
۳. سنگین بیگ، سیرالمنازل، تصحیح و تحشیہ و ترجمہ بہ اردو پروفیسور شریف حسین قاسمی، غالب انسٹی تیوت، دهلی نو، ۱۹۸۲ م.

۱. عالم میں انتخاب۔ - دلی، ص ۴۷۵-۴۷۶؛ اٹھارویں صدی میں ہندوستانی معاشرہ .. (فرہنگ ہند در قرن ہیجدهم)، ص ۲۲۹، ۲۳۹.

۴. حالی، الطاف حسین، یادگار غالب، غالب انستی تیوت، دہلی نو، ۱۹۹۶ م.
 ۵. حبیب اللہ، ذکر جمیع اولیای دہلی، ترتیب و تحشیہ پروفیسور شریف حسین قاسمی، مولانا آزاد عربک اینڈ پرشین ریسرچ انستی تیوت راجستان، تونک، ۱۹۸۸ م.
 ۶. دہلوی، حسن سجزی، فواید الفواد، تصحیح محمد لطیف ملک، انتشارات روزنہ، تہران، ایران، ۱۳۷۷ ش.
 ۷. حمید قلندر، مولانا، خیرالمجالس، تصحیح خلیق نظامی، علی گر، ۱۹۵۹ م.
 ۸. خان، درگاہ قلی، مرقع دہلی (متن بہ فارسی و ترجمہ بہ اردو)، دانشگاه دہلی، دہلی.
 ۹. خان، سر سید احمد، آثارالصنادید، ترتیب دکتور تنویر احمد، اردو اکادمی، دہلی، ۲۰۰۰ م.
 ۱۰. دہلوی، غالب، خطوط غالب (اردو) گردآوری دکتور خلیق انجم، غالب انستی تیوت، دہلی نو، ۱۹۸۵ م.
 ۱۱. دہلوی، امیر خسرو، قران السعدین، علی گرہ، ۱۹۱۸ م.
 ۱۲. دہلوی، حسن سجزی، فواید الفواد، تصحیح محمد لطیف ملک، انتشارات روزنہ، ایران، ۱۳۷۷ ش.
 ۱۳. مطہر کرہ، دیوان مطہر کرہ، ترتیب دکتور عبدالرزاق، خدابخش اورینٹل پبلک لائبریری، پتتا، ۱۹۹۸ م.
 ۱۴. دیال، مہیشور عالم میں انتخاب۔ - دل، اردو اکادمی، دہلی، ۱۹۸۷ م.
 ۱۵. عصامی، فتوح السلاطین (شاهنامہ ہند)، بہ تصحیح محمد یوشع، مدراس.
 ۱۶. کرمانی، امیر خرد (ترجمہ اردو)، سیرالاولیا، اعجازالحق قدوسی، لاہور، ۱۹۸۰ م.
 ۱۷. کنبو، محمد صالح، عمل صالح (شاهجہان نامہ)، ترتیب دکتور غلام یزدانی، مجلس ترقی ادب، کلب رود، لاہور، ۱۹۷۲ م.
18. Gardan of the Great Mughals, Williem Stuart, Cosmo Publications, Delhi, 1983.